

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

بهیچ حزب
دسته یا جمعی
بستگی ندارد

کوهستان

نایب
نامه

سال اول - شماره ۱۹۰ شنبه ۱۱ تیر ماه ۱۳۲۴ تک شماره ۴۱

یک پرده ننگین صلحای قوم بیایید و این ننگهارا بشوئید

در پیرامون ادبیات کردی

اگر روزی بکنسر مشرق انگلیسی با روسی از: نثر ادیب طراز اول تهران پیرسازمولوی خورامانی و ناری مروانی و مصطفی دلدی سندی و محمد کوماسی ووفای و مصباح و حریق مکرری با ... و ... که در کشور ایران بوده و اشعار و دلکش سروده اند. چند نظر در این باره تا که هر بار بیست جواب دهد اصلاحه جواسی و انتیبه ام!

در این صورت به این معنی بی نهایت ضرورت دارد تا با این مصدیان امور فرهنگ تسبیحی را در آن باب قائل شوند و از زور و فشار حاکم علم در این دست بکنند و اجازه دهند که مردم ترانه ای بکنند و آثار را به فرات نرسد و آزادی کامل آوری و چاپ کنند که این ذخائر از بین نرود و دانشمندان و فرهنگیان نیز از آنها اطلاع یافته و قریبه های رسا و ذوق سرشار آکردار و بشناسند تا در داوران بیگانه و جاهل و بدون خانه خودشان محسوب شوند و به راه مجاهدات و انتصار دیگر را بیزار جلوه آن ستم است

نیکان - عبدالرحمن شعر فکندگی
کوهستان - دفته از اشخاص
ممدوی شاید اکثریت مردم ایران و حتی
آنها تیکه شعر و ادبیات علاوه دارند هنوز
ندانند که زبان کردی هم شعر گفته شده
و شعرهای عالی دارد کردها هم پرده اند که در
نظر جهانیان مقام عالی دارند.
این سبب انکاری و قسور و باید با
کمال تاسف آذن نبود ولی مثل است
بنی در صفحه ۸

بیاری از چیزها هست که از تا دور دست جلب توجه نفلارد نشندان را کرده و ایشان را به بررسی و تحقیق و تدقیق و امیدارد.

و در نتیجه مانند گوهر گرانبایی در خزان علم دانش آن با جایگزین میشود، اینگونه کارها در ممالک متقدم جدی فرار آن است که از همه اسماح خارج میماند و تا اندازه حائز اصابت است هیچگونه مامی نیتوانند نظرو شکرکار و ادو این خصوص و لو برای مدت کمی باشد باز دارد، چنانکه نیروی بریتانیایی کبیر در این جنگ جهاسوز و گیرودار کنونی در پندام مجله نام (دنگی کیتی تزه) به زبان کردی منتشره آثار و ادبیات کردی و شرح حال شرح او و دانشمندان کرد را جمع آوری و به تعقیب و دودج انتشار آنها میرسد و در همین آکردار ایرانی را که هنوز آستان بگوش برادران پارسی زبان نرسیده به تمام متنی میباشند و آثار ایشان را حفظه بنام کرده اند.

و همچنین در روسیه مجله نام (دی تاز) به کردی چاپ میگردد اما داستانها در کشور ادویر میباشند که زودان روز هم زبان و هم مذهب ما آنهایی که به دومی زبانی روح کرد و فارس را در یک کالبد میبندند هنوز زور گوئی و قلندری به شکل برده شخصیت درین زبان آثار نویسی کرده و ممالع از آن است و ادب خود نمایی کرده و ممالع از آن است که ادبا و دانشمندان کشور هم به این گنجهای پر بها دست نیابند !!!

ادبا که البته معنورند ولی به این قبیل بی دانش زور گویند گفت (دوران باختر فزیدک و نزدیکان بی ضرور).

حالنا ضرورت از خود دانستند منی ملایم

شخص و تیکه با مردم و کار پیدا میکند و تیکه در جریان اوضاع از جنبه کلی و مظاهری گذشته یعنی نکات توجه میکند آنکه است که یک دو میاید که اوضاع از چه فرار است

گفتن اوضاع خراب است مردم در فشار و ناراحتی هستند از دولت و مجلس و دستکامهای حاکم ناراضی هستند مطالبیت صحیح اما کلی و ما پندری با این گلکلت هاد را کرده ایم که اغلب اهیت آن وا عبده گرفته با خون سردی شاهها را بالا انداخته همچنان نظر اوضاع میسایم

ولی گمان میکنم اگر شخص جنبه کلی و کار گذارنده جزئیات را مورد دقت قرار دهد شاید میزان تاثیر و جوت پندری باشد که شاهانه قدرت بالای رفتن نداشته باشد و شاید توجه و دقت بیشتری احساسات مارا برانگیزد تا کنی داده مارا از این سکوت و رعوت بیرون آورد.

من در اینجا نونه های کوچکی از عملیات یک فرمانده عالی قدر را که و از روی مطلق یک منطقه مهم سرحدی است برای اطلاع شما مینگارم و جریان اقدامات را بطور بسیار خلاصه ای از نظر شما میگذرانم در آن وقت کتبه و از این مشت که نونه فرار است بی میدهد و ما و خطراتی که مارا تهدید میکند خواهید برد

نواخی کرد نیتن غرب مخصوصا قسمتهای کردستان بر اثر - عملیات بیشرمه همدای از مامورین نظامی دولت و بر اثر تبلیغات شوم آتانی و بنظور ایجاد راه بزرگی برای سوه استفاده در سالهای اخیر جالب توجه شد بنا برین معانله آنجا را میدان کارزار و برادر کنی کردند و وقایع آنجا را بقدری بزرگ کردند که نه تنها دولت یک مردم را مرعوب و عملیات نظامی را میراث قبولترین عملیات نظم جهان جلوه دادند با این تبلیغ آذهان همی راستوب و - کردستان را مایه ای آن خن - بن و انبوه کردند.

برای ۱۴ برای اینکه بیوسه ازای برای اعمال نظریات شخصی و خصوصی فراهم نمایند برای اینکه بدون ملاحظه مشت را برهن مردم برند برای اینکه آنجا را بصورت مسیحی، گورستان مانند در آورده تا هر چه میفرماند بکنند و از کسی نفی فرمایند.

تادمی این جریانات متکون بود مردم، جرایم ملی و حتی دولت و انما گمان میبرند آنجه را مامورین ناپاک که مارا می دهند دست است و دیو اعدا با شما هات آن در دستورات شدید و اخبارات کامل داده میشود مردم در زیر آنگه جای کارگان جان نبدانند و مشت لمدانه آنرا را میجوهند و لب ننگیند.

بفیه در صفحه ۸

اخبار داخه

کنگره پزشکی ایران

بناظر تئیدیه مانی دوستی بستگی کامل بین پزشکان ایران و پزشکان دوست و متفق و همسایه وزارت بهداشت ایران و پزشکان دوزخ منقود بود. در روزهای گذشته با حضور هیئت دولت و آقایان نخست وزیران و وزیران سابق و بعد از رحل و پزشکان دیلمه ایرانی افتتاح یافت.

عزیمت بقصر

آقای محمود شایب پاشا سفیر کبیر مصر در تهران با متفق خان شوهر پسر او استقامه از مدعیان سفر عزم نمود.

قبیل بخش پشیرستان

هیئت وزیران تئیدیه سوده اند که بخش لایمیان پشیرستان تئیدیه کرده و بعضی قبیله و سرگردان بزرگ بخش های تئیدیه آن باشند.

برکناری ازراکه

آقای مهندس احمد زنگنه معاون فنی وزارت پیشه و هنر از کار برکنار شده اند.

فرماندار کاشان

آقای مهندس رفیعی دوزخ بزرگ وزارت کشور بست فرمانداری شهرستان کاشان منصوب شده اند.

آزادگی بازداشت شدگان

بعضی دیگر از بازداشت شدگان آقایان از در تونل ملی آزادی.

اندوه امهانی خاچاطور گریگوریان. واهن کلیسای آزاد شده اند.

آزاد شدن نیرومند

سرهنگ نیرومند کبیل سابق زندان که با نام شرکت در تئیل نانیاباسه و مارتان در قتل فرعی و بازداشت غیر قانونی دو نفر پاسبان و در تئیدیه بود چون در دادگاه تهران محکوم بحبس ابد شده و در بان کشور زندان نام و اخراج رسیدگی قانونی را بدادگاه عدلی امهانی ارجاع داشته بود دادگاه امهانی او را به بخش ماه حبس محکوم کرد چون وقت ممت سر آمده بود آزاد کردید.

انتصابات

آقای عباس سمن بازرس فنی وزارت فرهنگ بست ریاست کارپردازان دانشگاه و اداره کل امور نسیاستانیا. آقای مهندس شیادالین امیر معزی از طرف وزارت راه سرپرستی طرق استن مهم شرق و ریاست اداره کل راه شوسه خراسان منصوب شده اند.

اخبار شهرستانها

از ستر

۱- رئیس شهرستانی ستر به مستنج منتقل شده در نظر است آقای اسکندر افشار پناه ستر مامور شود.

۲- هیئت بازرسی مشغول رسیدگی بحساب ادارات غلغ و بعضی کلای نصابی میباشد.

۳- اداره دخانیات ستر جزء دارایی مالی شده است.

۴- دایره پیش کلامای جزء بندی اداراتی تئیدیه شده و تحت ریاست آقای داوری اداره میشود.

۵- رئیس فرهنگ جدید ستر آقای قربتی نایبهای بکله دانش آموزان داده و تئیدیه دارند و به آثر برای تئیدیه لیس و لزوم التئیر دانش آموزان بی ضلالت صرف نماید.

۶- احتیاج ده کزگی که بنده قبل اطلاع دادیم بکار برده شده کشف و گویا مسترد گردیده است.

از سفند

۱- فرمانده لشکر کردستان طی اعلامیه ای اردو کشی به اورامان را نوبه داند و بحال دارد بازم هر ازان کشی شروع کرده اند.

۲- هیئت مهرانال این فرمانده محبوب ۱۱ زور را بر تئیدیه ترجیح میدهد نظریات خود در باره این اقدام هغه آتیه خواهیم نگاشت.

۳- قریب کردستان تعمیر شده تر کشی که تحت نظر آقای مهندس افروزیان اداره میشود تقسیم دارد. با استفاده از قریب آجیاب و سیمنا و غیره دایره کتیه امید بهبود وضع سترنج از حیث روشنائی میروید.

۴- آقای افلامصین اردلان بخشدار دواستریا با خاچاطور ماسر مهرانستان روز ۱۲/۳/۲۴ هجرت کرده است.

۵- هیئت امنا خان مندمه که سه ساله ای گذشته از تئیدیه سماعی بانوای دولتی در راه رفتن برقراری نظم و امنیت خودداری نداشته چندی است به ستر فرمانده لشکر زندانی بدون ملاقات است.

فنایندگان اقلیت و اکثریت در حضور

اعلیحضرت همایونی

اعلیحضرت برای خاتمه

دادن بیحران کنونی وضع

دولت فنایندگان اکثریت

واقفیت را در سماعت

باید

از ظهر روز شنبه بار داده

اعلیحضرت همایونی

پس از تئیدیه و وقت سیاسی

و اقتصادی مشغول تئیدیه

فرمودند هغه فنایندگان

انتخابات و آکار گذاشته

مشترک در محل اختلاف و

تئیدیه تکلیف لیکوشته

و نیز اشاره فرمودند شایه

دوامتاک دیگر برای رفع

اینگونه اختلافات راه حل

احتمال مجلس باشدولی در

کشور ما برای این کار

قانون اجاره میدهد و به ملا

در این موقع صلاح کشور

میشاید بنا بر این چنین

فکر کرده بئیت و آقایان

که فنایندگان ملت هسته

باید خودشان بشنیدند و راه

حلی پیدا کنند و بقدر امکان

قلی که برین کشور است

بفون

وقایع آزارات

پسر هوشمند فرز قر از سورانی ویران آزارات شدند. خالی بیک پسر عبدالله رئیس اهل سیک، تاج امین بیک از روسای زرگی، نفی بزرگی جیدی رئیس هده ای جا فاندان کرده احمد حاجی برو جیدی و برادرانش، عالم و فاضل محترم سید عبدالله با تئیدیه و پسر موش سید رسول که از تئیدیه خود از میر فرار کرده بودند سبکی بجای دیگری به آزارات رسیدند.

بروی حسنی بفرماندای و تئیدیه بی برنامته و از امری آزارات انتصاب شده. در این هنگام بود که میلیون کرد مارش آزارات را با سرور و شامانی زومه کرده که میگفت: امروز باز توغشبتک شده ای (امروز باز توغشبتک شده ای)

کوسون ایدی ستره جوات (میت روی تو دیگر تشکیل شد) هله آگری، هله آگری (باند باش آگری) بانه باش آگری (ایوب آما از روسای قوطان پانینه تر از کسان خود که از حسنه سیه شالی آزارات در شهر قدیم فوستان متحصن شده بودند مورد قتل نمایان تر شدند. کتیه چند ماهی در حرکت پس از دادن هده ای سید و تلقات انشامیان ترک بطرف شهر ایلمر عقب رانده شدند و ایوب آقا خود را بفرای آزارات ملحق ساخت.

غرض و تئیدیه آگری زیادت شده بود بطوریکه ساکنین شهر با بزرگه که ازنی از راههای اطراف برای سرخت شهر میخواستند استفاده کتیه میبایست بشنکیلات آزارات عوارض پرداخته تا تحصیل اجازه نمایند و با در دست داشتن جواز رسمی آزارات بلا مانع عبور و مرور میگردند

سر بیک خولا و گز تی بی در فرزند را روی سینه ات گرفته ای

کردان را تو کتیه پوی در بری کرد هاکتیه شمای

هله آگری- هله آگری در بند باش آگری - بلند باش آگری.

دهات دامنه کومو باره بدست آزارانیا آتد شد آمی که از بی راههای غربی کوه سر چشمه سرفه از جنوب آزارات بطرف خاک ایران حیران داشت مد طبعی تئیدیه آگری ستر کتیه.

این چنگکهای آزارات معادفات اعتقاد کتیه بزرگ ملی کرد آورده اسان نوری را کبیس فوق الباده نظامی ایسن کتیه انتصاب و اداره حرکت ملیون را در کردستان به مشاوره تئیدیه نمود. پای مهرانمان ملی کرد به آزارات بلا شده بود. از هر سو باین افطه میشناخته.

از کرمانشاه
بقلم ی.

یگانه محبوب اکراد جهان آقای دکتر اسمعیل اردلان محترم مدیر محترم نامه کوهستان

از مشاهده تلگرام تبریجه در صبحه ۳ شام ۱۶ نامه یزوان نظریان، یسوسی یکدیگر آثار چشم تبریجه عالم تحیر و خیره گشت که در ادبش مجاهدات یگانه غیرتندی که جا و مالبرای ملت متضاد خود ابرام و ستم و اضلال و جاوگیری آیه آنها از جنگل هر کوه آسیب و زوال حاضر شده و جدا مبارزه و بافتاری و فداکاری مینماید و تمام نفوس زکیه امراء اکراد پشتیبانان و رهبن منت این اقدام شایان میباشد شرف نشر که خود را از یاد کرده میداند بجای تقدیر و تیسرو بیوش این که سالو جان را از نایتی جریا باستی بدسیه و تحریک دیگران بدون مطالعه باین سرکت بیگانه و غیرعادلانه زشت بدارد خود را متهور و مطعون جامعه اکراد نماید اگرچه حس و عمل از خود نموده و سبقت امر را کشف نمیشد که این اقدام شوم ناشی از به نایبه بود و از آجا سرچشمه گرفتاری است که برای روشن شدن فکرو کسب اطلاعات بنشری در اطراف آن بنسیر و جدای برداشتم تا با بنشری از بنکته هشتیگری محترمه که چند روزه است کرمانشاه تشریف آوردند منتظر نمودم اسمع ذلک منظر بود امشاه کتبه گمان این تلگراف بنیشتار از بنشاهانند ز یاد چند ره زیش از طرف یگانه عالی اجناس (بیش از سی نفر) که این شرف نهم جزو آنها بودند رای صرف نهاد بر به لا کثیر به دعوت بودند حاله مامور گردیدند دعوت بر این من متهور و ده استمنتها سایرین بنشری در اکراد منظر این نشیبه بواسطه منظر سرمایه و صغر منور بنسیر به خود را پانته جیورا اطاعت و باین گردانده بودند تا علاوه اطلاعات شخصی نامرید میریزه تا نیمه گواهی نمایان باین اشعار شریف النسی و بیچاره خود را پانته و مطلوبان این امریه که در روز تزارو فقرت و حله ملت منسی کرد خواهد بود قیام و اقدام نمودند و پر واضح و میری است غرض این که اینها از یاد کرده نمودند و تا بسور معال بانکه با عقال نامه کرامی کوهستان مندرجات تاریخی و روح پرورد آن مطابق ذوق و میل آنها بوده و این فقره خالی از دسه و آرایش بود ماضی نداشت و گردینیه بیرون شیره چشم - چشم آفتابرا چه گداه مینواستند بوسله نامردمیت از قبول آن استفاده نمایند و با اینکه بنقول خودشان وجه یکساله آن را پرداخته بودند می توانستند نامه را نخواستند و بخان آن که هزارانده هزار نه وادگام و از بنده بپونه دوسال آینه خودداری و بیا استفاده خود را بدون این ترتیب باداره نامه کوهستان ندیدند دارند دیگر اگر منظوری در بین نبود و نوشتن پانتهای کجایان - ستاره - و هجر چارونی داشت مگر نظم دولت با دعویا حونی دورین بود که میخواستند گو به بگیرند با اینکه به اجباری آنها را بیانی و امانی شش غری وادار کرده بود غرضه از تمام این فراین و دلایل دیگری که از خوف تطویل از انامه آنها خودداری میشود معکوم و مجبور بودن و جین و ز دی آنها معروضام و خیال خالی وساده ازمن آن مرد دستور هدنده میرهن و آشکار میکردند بیچارهها بیخبل باطل تصور کرده اند که با این اقدامات قلهای این اساس زوج و زور خالی میزنند بحدیث نامه کوهستان که تمام اکراد شیفته و بیاسان و پشتیبانان است و با بزم رایخ مدیر محترم آن بوسله شش یا شصت فقره لطف و کسکه وارد گشته ده شانه اند نور و سگ عمو که

نگارش آقای جمال لدین مشیری نیرنگاروسی نامه کوهستان

بازدید زندان شهربانی کرمانشاه

بازداشتگاه بی نهایت مرطوب باشد تا تهیه و احداث زندان قانونی هرچه زودتر تکمیل آن را با سپان و وسایل دیگر افزودند تا از بروز طوالت جلوگیری شده و از این راه زندانیان مجازات ناپذیر شهربانی نگردد .
 ۵ - تاکنون شهربانی کرمانشاه شصت و شش بیابان محاصره با وسایل پانته و محوطه با ایلا در نزدیکی زندان احداث نماید تا از وقوع هرگونه اتفاقات ناخوشگوار که ممکن است در اثر زور بن زندانیان بختام های دور دست روی دهد جلوگیری بعمل آید یک موضوع دیگر اینست که مساجد کرمانشاه بنیشتو مسلمانان را در اختیار زندانیان گذارد تا بر این اساس از استقامت خراب زندانیان دیگر کسی حاضر نشود و چون تمام مراجعه نماید و روی این اصل کرمانشاهیان از دهه به شورت و جلب مشیری می اند - ح ق هم دارند .
 ۶ - طی گزارشات هدیه شهربانی کرمانشاه با اداره کل شهربانی پیشنهاد مینمایند از اجازه دهند تا دستگاه زندان قانونی احداث خود تا اما تا بحال دستور و اعتباری برای این قسمت رسیده است توجه به راهی شهربانی و اباین موضوع جلب مینمایم .

۱ - لحاظ وظیفه غیرنظامی و مجسم نمودن اوضاع و نظرات اولی امور در بیان حایق ناگزیرم نتیجه مشاهدات و بررسی های خود را که از زندان شهربانی کرمانشاه بعمل آورده باینصورت گزارش میام .
 ۱ - برابر آما موجوده عدد زیادی متهم که جرائمشان تاکنون مشخص و معین نشده زندانی و بلا تکلیف میباشد که باستی مقامات ذریع ضبط زودتر وضعیت آنها را روشن و بلا تکلیفی آنان خانه داده فرار قفسی صادر نماید .
 ۲ - وضع خود را در بوشک زندانیان و رضایت بخش بطوری که به زندانیان در هر تویت یکساله غذائی گرم با نان تازه کالی و یک کیلو نان برای ۲ ساعت و در میان نقد سهیبه شکر و چای آب آن در شبانه روز هر یک چند استکان چای داده میشود عموم زندانیان از لحاظ نظم و ترتیب و توجهی که به باره آنان امر می میشود کاملا رضایت مندی .
 ۳ - اخیراً یک بیستارستان بیست تختگاه با تمام وسایلو با لوازم زندانیان تهیه شده چنانچه دیگر احتیاج با نقل و بارمان زندانیان به بوضخانه دولتی نیست و اغلب عیالیات علیان نیز می توان بن رضایت بخش در خود بیستارستان زندانیان اقدام کرد .
 ۴ - یک اتاقهای زندان ۴ قسمت

دستهای لرزان و نامک مشغول کشیدن نشه شیطانی و در جستجوی پیدا کردن نقطه شفیق است که اجرای آرزوی شوم خود را به آن تحویل نماید پیش دیدگان کشیده و از خود بیخود نمود در همه برآمده که آفتابیان را از طوالت گشته هشتاد خوانده گان گران نامه محروم کوهستان بنشاسات تا تصور نشایند اطراهای آن که از زبان دشمنان توده کرد جاری و به قلم ناتوان چند فقره از همه جایبیر روی کاغذ و اسبابه نمود است ایامه آل مات لایب کرد میباشد ولی فقط بخود آمده و یک نمای مردمی امریه سکوت نمود و در ضمن مردم مسامت که نایب با پانته معامله منجابه نمود زیر اثر زده هر چند شاه باشد بدوری رانی بدبخت و سرافکنندگی او انفراده بود .
 بنشایرین دهمریدنه فقط از آفتابیان استمداد چند سالی به قهر فرار گشته وضعت و راد با بدبخت مشاهده ویی طرفه ده دیار نامه ملی کوهستان و ارضاع اشفاق گذشته که هیچ فردی حتی در مقابل هتک ناموسی از ادنی ترین افراد دولتی حق دزدیدن نداشت قناریت ضایع

بلاوه آفتابیان با بدبختانه کرد در کوهستان نمودن خورید نیست و املش هوشندند اشها را و با بنده ها زیاد بخودده و امروز از آنان فقط نام یک بایده باقی است و برای طرفداران اشخاص بدبختانه جز خدمات حسرت و مغروریت نتیجه دیگری در بر نداشتن نخواهد داشت: خود را در مردموری که سمت از مردم طولانی نیست خواهد رسید و آفتابیان از حسرت خود به یک نامه ملی که بنایده احساسات بانک توده عظیم اکراد است فزیر از تری و دهه حال کرد در کوهستان منظور دیگری ندارد و پیشبان در مقابل کوهستان جوان سر نشایر فردان خواهد آورد ولی آن روز بر خلاف دون همان امروز ما کتین کوه بان آفرش باز آمارا بدیرتره و با قلم خود خطبای آنها را باطل بنمایم .

کرمانشاه ۱۳۰۴.۴.۲۰

آز تهران

از مشاهده تلگرام آفتابان اشرف - سرتاش - علی اشرف - و طاشتمندی - مطاشافه - بنسیر: زده که در شامه ۱۶ آن نامه ملی درج شده بود خالد گرگون و همان زده سبهای که در پشت آن

ستاد ارتش توجه کند

اهالی بانه چه میگویند؟

اهالی بانه‌کنانی بنویسند فراموش نمیدانند
دولتی رسیده پس از ذکر مقدمه ای انتظار بنویسند.

در این مقام که هستی و علاقه‌اندازی
ما دستخوش غفلت اولیای امور گردید
بنیادوست و بر فرزند ارگرفته باطراف
و اکتاف برانگیزد و با زبان وطن
عالم و مقصد را بر تک کفمن از آجا
که گفته بود تا بر زبان شود و بسامان
رسد ما ناکند و زده و جهات عالی علیحضرت
هیابونی یکوش این دست رنجیده که
هوایه اشوار و رسیدن بین بشراتی را
داشتند رسید و آثار یکبختی آشکار
گردید.

بایانیت امیدواری بنگاه کاپیران
بازگشت بنویسد در این آینه‌های آفتاب
وزیر مشاور و حشما باه نش بر فرزند
مارا چه این خسارات و اوزال خسروانی
و بتو و وجودت و افراز سناستان
امیدوار و حسن خلق نلوب پرانگند
را جمع فرمودند ما نیز با دلی مژزش از
عشق و اید و ملاح خرابیها بدخته به
اشوار ایلی دولت و ملت تشتمین اسما
انتظار فقط بود آنچه مایه‌اشتمین

بعد از مدتها تحمل رنج انتظار از
میالغ هکنگی که یکخواهان و لیرایش از
پاک بزا، بیوان ما دادند تنها مبلغ
هزار تومان وجه و مقصدی گنم و بعد
سناستان رسید تازه این اندک شوش یا
هزاران لیش همرا بود و مقامت رهنه
بایندر دروازه‌دهن ما بیچارگان بر آورد
و بجای شفت و ترجم فرمان داد که بایالی مصالح
آخر و تیر که از حرم من مانده بود
بیوان سناستان برای نیو خراب کرده
بیجا برد و سناشنایا لیه سوخته زبا
غناک بکسان نمود.

دو تن سراز بدیخت هم که مامور
و بران کردن بانه‌ها و دهن ده ای مقامین
و اغراس بایندر جان جان آسردین
سیردند و در قبال بدینتر که بغیر اهالی
داد باهر آن مردنستار همه درختان
و غیر منرا ما ازین کنگه شد و درختی که
یکانه من از آنرا بود بایسته دیدند و
آزردی به بر آبروده شد برای اثبات مسوق
گنار مامکن است بگو آریا مرکز
بناهای و تشریف فرما شده وضع است
انگیز اجا پنجم خود ملاطفت فرماید که
چگونه آتش مقام بایندر باغها را بل
غناکی تبدیل کرده آبا از مردم رنجیده
انتظار بایسته اشتات نشود

یکی دیگر از فواید فراموش نشدنی
بایندر این بود که اسفند را بنام ستان
قانع بریاست دژبان برگزید این اسفند
که شرف لباس نظام را بکشتی در انتظار
از زمین برد برای اجرای مقاصد سینه‌نویس

فرمانده خود زحمت بسیاری برای ما به
وجود آورد از جمله از اول شب تا طلوع
آفتاب هیچکس حق خروج از خانه خود
نداشت حتی اگر بیادینه اجازه مراجعه
بدانتر نداشت و باید رنج بسیاری و تحمل
کنه یا میرد بخلاف بزرگان دستور داده
بود که از هر طریق باشد از مردم بدول
بگیرند.

تاغ هم از سفیدی مامت ناسیاهی
زغال فروگدا نکرد چون الاغها را از
روستایان بنوا چکار میکردند روستایان
برای خلاصی ازین محصه برای هرالغ
فوتومان بیاج میدادند و دیگر پیشوایی
آمدند با پنجه شهر گرفتار مطیقه خواروار
شدند.

این بود سوخه از قبایع اعمال با ندر
که برای احراز اراضای کلام باین مختصر
قناعت شد.
اینک تلاشداریم بخت مقرر فرمایند
مسامحه که بنام دریافت داشته است سردر
دارند که بصرف سناستان برسد و چندین
نفر بنا و ناچارم بیا به یاورند که معران
و آبیاری پر درازیم در ذاتی اقدام فرمایند
که سرهنگ بایندر شدیدا مورد مواظبه
قرار گرفته خسارات خرابیها از او مسترد
شود.

رواوست شرف بالا درج درج
نامه شریف کوهستان تقدیم میشود که در
رشد آن حق مارا ایدادگران باز
ستانداز اهدامان خدایسته اند فراموش
تیب نیز امتنان داریم که از موقع ورود ز
ما وقع مزامت فرمودند.
از طرف اهالی سینه‌دیده و بیجانان
یا:

حاج عبدالعزیز دیبانی - حاج محمد
عزیز عطیسی - رؤف غنایی - حاج سعادت
نوری - محمد انبیا اوسیدی - عبدالحق
حاج محمد رحیمی - حاج کریم فتاحی - سلیم
احمد زاده - سید امین تراوشیدمیلی
حاج محمد ابراهیم بخاری - صالح معنی
زاد - حاج مسیب غزیری - محمد جامی
محمد عزیز خانی - حیدر اصفندی - حاج
محمد مرتضی - حاج کاکلارا شانی - حاج
محمد امین توتوشی - صالح حسینی قادر
پورانی - سید علایی - حاج محمد صالح
معدودی - محمد مزاری - محمد رشید
شرابی - صادق توفیقی - حسن فلوری -
رشید معدودی - کوریل مازوسی
کوهستان - اقبال داریم فرمانده
تیب سبز بوظیفه وجدتی خود عمل نموده
شکایات محترم مردم را با اظهار نظر ضمنی
خود بدون طرفداری و رعایت همکاری به

ارمهاباد

((غزور ملی))

آقای دکتر اسمعیل اردلان مدیر نامه کوهستان

روزدوشنبه بیست و هشتم خرداد ماه ۲۴ در مورد ۴۰۰ شغل
توزیع شماره ۱۶ نامه شریفه بوم جاضعی از شترکین انبهای ون
ویسیری منتظر دریافت آن بوده ایم آنجا آن جوانی قایل و برجسته
و فارغ تحصیل کلاس ششم پرستان (آذنی جعفر کریمی نواده آقای
کریم بایزیدی دهمو کرمی مالک فوله که) که از جوانان ملی و میهن
دوست و یکی از مشاهیر نامه کوهستان است پس از دریافت نامه
تواضعت هیئت و شوق فرطی ایمان دارد بلافاصله بمطالع
ممنون گردید و وقتی که بصفحه ۳ زیر عنوان نظریات خصوصی (تاکرراف
آقایابینه ازگرمین نامه مبارکه استماع داده اند) رسید و با کمال
دست خواند و تحسیر و متأسر شد از بنده شما خواهش نمود که دو نفره
تواضعت و شوقی را بر عرض رسانیده است شما صحنه مورد قبول
فرار دهید -

۱ - آقای جعفر کریمی تخلصانوده و تمهید شده است در تمام
خاک کردستان هر کردی که نامه کوهستان را بنامی مالوا از احساسات
و ایسان دریافت و استیصال آینه وجه آیتوان سالیانه او رابه اداره
روزنامه تقدیم دارد

۲ - نظر به عشق و علاقه که نسبت بان نامه ملی دارد مبلغ
پنجاه ریال وجه نقد بایدهای چه آیتوان آفتابن نامزده و کنگ
به معینه آجریه شده شریفه تقدیم نمود امیدوارم هدیه ناقابل آن
جوان حساس میهن پرست را با نظر مرصت قبول فرمایند تا شفا بخورد که بشرات
ملیت و حس میهن پرستی به یزیده و آشنایند اندرعت گرفته هم
چنانچه دو دستور اخیر صفحه ۳ خاطر نشان فرموده اند ثابت شود که
(نامه کوهستان) که دارد وجه اشتراک از کسان دریافت دارد که از
روی عقیده و ایسان درمناضات راخواوند

اینک نامه ای هم از آقای جعفر کریمی

آقای دکتر اسمعیل اردلان مدیر محترم و معجوب نامه

کوهستان

از انتشار نامه ملی کوهستان که اول اسفند جیات وژندگی
جامه کرد است میمنت شریفه بختی خود عرض مرصت میبکنم
آجریه شده شریفه ایسان توفیقی شکر خندیده است. دانستن
تاریخی شهنشوار ساله کردرا که اسهل و تیب ترین زاد ایرانی هستند
و تاکنون در اثر استبداد اموزی و هستی آمان درمغناط دهر
وجود داشت از نوع و چنان میباید تا زده بخشیده که گویی در تارک
شد بصورت آفتاب نوران از مطلع سعادت و خوشبختی طلوع نموده
است - ای وقت توشوش که وقت ما کردی خوش -
در خانه بایسته بهت و شادباش میوه محترم از خداوند

متعال خواستارم که جامه کردرا از فقراری بدبختی بشمار احساسات
و خوشبختی هدایت فرموده و آن چون مدعتر م از دربار حق گویدی
احساسات ملی بیشتر از پیشی موفق و معطر و منصور فرمایند -
از مهاباد جعفر کریمی

کوهستان - سلوایت و مراد کی هیئت از غنای برجسته
آکردا بوده بطوریکه که کاسیایان دراز دیناری نیز بزرگ درو را می
نقواختوانست این شامیت املی زادی از زمین بردارد
ناثر آقای کریمی از تاکرراف چند جوان سنج بسیار طبیعی
و عکس العمل ایشان منشی محکم بردغان سیک سرانی بوده که از طرف
کودکها بخود غناق خواسته اند با کمال حله.

باید صفحه ۶

سمع اولیای مسئول برسانند مقصود استاد ارتش را بجلای با بد در
سفر و اوتوه سازه نه تا به دست مردم کردستان معیشتی و سولتارین
افراد جامعه ایران است که نظرش بر طبع خودخواهی بد و فکاری -
فرماندهان سابق آن بوده که آیتان از یوست میخوانند بر خلاف حق و
واجب بد جاوده دهند.

گردوگردستان

(پادشاهی فریریز) - پس از وفات ترس پسرش (ب. بوز) که هنگام جد خودی بوده است و غرب (فریریز) و یونانیان (فراوروت) یا فراوروت - یا فراوتیس یا فرودتیش میگویند، در سال (۶۵۵) ق م - بر تخت سلطنت جلوس نموده است. این پادشاه کشور خود را از یکطرف تا رود (جیون) و از سمت دیگر تا (هند) و از سمت غرب تا مرز بومی (بین الپین) توسعه داده امالی (مینیا) او طرس و میسیه یعنی کیکیه، و (ایراچ) - هم باجهادار او شده اند. و میزیان - و میزیان هم او بیسان اتفاق بسته در زیر پرچم حمایت او بوده اند. و شهر اکیکان و پنی (هند) در زمان او پایتخت زرگرنده است و مرکز آن رودکنه تا آترمان در دو باغ بود. و امر این پادشاه باکیانان آشنا پانته است. و بالشکری گران از قبایل مغلقه جنگ آشوران بر خاسته - در جنگ کشته شده است (۶۲۵) ق م - نیز این (۶۲۳) ق م نوشته است - که پادشاه پارس در زمان این پادشاه هم تابع دولت ماد بوده اند. و در تاریخ موموسی خود در ترجمه (فراوروت) اشتباها (فرهاد) نوشته و مورثیکه قهاد نام مطلقا در سلسله سلاطین کیان پاک، در سلسله پشیدادینان هم بوده است

(پادشاهی کواکسار) -

پس از کشته شدن فریریز، لشکر کواکسار پادشاه پانته - در یک دوت که باز کسار (ماد و پارس) تصرف آشوربان بود - پادشاه ناچار بار دیگر رؤسای آشور بجلائی کرد آمده پس او را سیاکار که پسر او بود و خواستری میگویند و یونانیان (کواکسانارا) و (لااگره) (کواکسار) میخوانند. در سال (۶۱۴) ق م بر تخت نشاند.

ارتی که از (۶۱۴) در پارس پادشاه سیدیه بود هفتاد و سه تنام از آشور بود. و پسران این پادشاه بزرگ بیاب دانی پادشاه پانته نظام و سواره نظام منی را تشکیل داد پادشاه منیع به نیر و کدان و ششیر - و سواره مسلح بظلم و گداختی و گرز و کشته سواره نظام (ماد) از بی هنرمندی پسر سواره نظام آشوری بودی داشته اند. زیرا سواران مادی، در حال تاغت و ناز با یکدل مهارت نیز اندازی میکردند علاوه اسبابی مادی باسویت لاک و قشنگی و توده اوری و در مومسرف آتانی بوده است - کواکسار که ایرانیان سیاکار میگویند - پس از تپه چین

«از سالم»

هوشه و ۱۰۰

همیشه و جاوه ریم به لگو به معنی باری گیانی بی لارایسکی شرا ضعیی چرا مشکل نهانی بی چرای اول شوی قیرم گرمی دل به له هجرات به سرودی بنای اجل شمی مردم هر کستانی بی له معرای محشریشا دوله رم ترسکی جانانکا فدای تو شوخی بی روحم که جووری دووجهانی

۱۱ غواش تو کم دایم سخته یونینی ولی ناچار رضام لرانی له جوات بشوم بی اولن زبانی بی به چردمانی - مور طانی کوری تو کیستوه که ومانی شنی کیستانی همی هروا معمانی بی وفادانی کاکا که دل به گویران جا که لالت بی (۱)

زبانی بوه دا عترب به کسی مهری زبانی بی روانی سکتو هکتان با تازه کاهری شیم به شپرنی دم تا کاسا کتا با اعلمانی بی

برینی باطنی سکتوشنی ، خوشی تابه کی (سالم) نهانی به سینه ی خوشم خه نهی پنجهی غلانی بی .

این غزل را آقای محمد امین هورشند از ستر ارسال داشته اند

و حیرت است که چهل سال پیش این دولت خشن فهاد دولت عیلام را منقرض نمود . اما دست انتقام در این هنگام او را نیز از منعمه روزگار برای ایدر انداخت و منور و منقرض ساخت -

(قطعه)

گر زمانه بد کسی تو بنده ارکان بندی
کردن فرد گرد کرد و دوران رهگانندی

قرض است کارهای بدت نزد روزگار

در هر کدام دور که باشد ادا سخته
پس از افراش دولت آشور دولت ماد و بابل عقد اتحاد را

مجاثر کرده - پادشاه ماد دختر خود را به «بختصر» و لیعهد حکومت بابل داده است. در متن موموسی که در است که در نوازه مذکور است این بود که در دوم است که سبب دامادی پادشاه ماد. پیش از فوت پدر بابل پادشاهی طلب شده - مقارن فوت پدرش - و خود پادشاه مصر را در کار فرات و عسکت دادو با شتاب به بابل برگشت و زمام کشور کلهو را مستلا بدست گرفت - اندامات نیز و متدا «بختصر» در فتح بابل و سرکوبی طراویو تحریب است. تقدسی تجدید بود در سال ۵۸۹ ق م معروف تاریخ است. اما دایال پیشتر معاصر این پادشاه بوده است این پادشاه در آسیا

به غازی» و اشتباه داشته - یونانیها در باره او گفته اند که «بو کوئرتز» و «سیاه خوارو» را میبویند نامتوسنای «هر کول» یعنی خاز جل طریق تانته است - این خلفون در کتاب و الیب و مسودی در مرجع الفب - و این اثر در تاریخ کامل و تاریخ سیستان در صفحه ۳۴۷ و مجریه هم بنام «سید او» (پهلوسپ) نیزه کیباید کرد پادشاه ماد نوشته اند !!

یعنی دیگر او را میبویند «سین» مرموق داشته است - شایه و کوئرتز» و او کوئرتز تصور کرده اند - چنانکه تاریخ فریری طبع لیمن جلم دوم صفحه ۶۶۹ و «سر جان ملک جلم یکم صفحه ۲۷۵» و «۶۶۶» و «۶۱۵» و نیز هم نام کوئرتز را نابو کوئرتز نوشته اند یعنی پسر کوئرتز - شرح احوال بنامزد کتاب دوم ملوک جمی در فصل «۶۱۶» و «۶۵۵» مذکور است

» بقیه در شماره آینده «

برای اطلاع عموم اعلام میدارد

ستوان یکم ابراهیم فولادو دانشروزانه امری که فلان نامه گروهان زاده امری منسج است بپوچوجه بستگی و فرات و خویشی با آقای سرکرد علی - فولادوند و اخوان محترم ایشان آقای محمد نری - فولادوند - و امیر قاسم - فولادوند نامیده مجلس و آقای غلامرضا فولادوند - رئیس بازرسی وزارت دادگستری و خسرو فولادوند - و امیر حسین فولادوند - و ستوان یکم علی اسفر فولادوند اسفر آرتشت ندارد بواسطه اوزان قابل آفتابن فولادونکر نیست

موسی اسحق

فرز رملی

بینه (منحه)

مافرتیکه باشدارنامه کوهستان بر دانش تمام مخالفت ها و کارشکنی هارا پیش نینی میکردند و باطلیم باینکه این اعلام ملی ما مخالفان ساده لوح بسیاری دارد باید بگمان باز بدان امدام گردید و در هر حال خود را مامور ترانکتا و عابده اکراد دانسته و عموم اکراد وطن پرست و غیره را در پشتیبان نامه کوهستان میده انستیم و هائطوریه کرار و وشته ایم نه تنها این تکراف های ضرف اهنتی نیدهیم و اینگونه ششاهی چه گانه دره تئیری نعوامه داشت بآنکه بالکس وظیفه ملی ما را پیشتر این مردم اجنباعی اساس نشوین میکند.

اما ارسال پنج هزار ریال

اگر از بیبرنامه ادب نبود باظهار امتنان و چه رسالی را عودت میداد بر خود و مبالغه ای تمام کفری نبود و چه تضاضای حساس ایشان را در جبهه داور خواهد بود چون نظر ایشان از ارسال وجه اقدام نیکی بود نه مامان امدام بیک ایشان و از امدام میدیم پیش و چه در ایدانت میکشیم و حوصلش را برای میداریم و از تراستنا در حساب معصومی دریاکت ملی کنگارده بریم ۳ ایدای ادبیات و آژر کرد و معرفی و شناسانین بزرگان و شاهزاده کرد بنگار خواهد برید. شش تن اصفا کنته گان تکراف منسج هم هسانطوری که اعلام داشته ایم میتوانست بماند بیک نامه کوهستان در منسج مراجعه نموده بیخود و بی برنامه ای خود را در ایدانت دارند.

بخشداریکه در خواب است

از سفر

این هفته دو کافه یکی باضای م . اشهار برخلاف اوتارند که هرچو و دیگری باضای صالح مینبرست از سفر در میان سران اوتارنده شهر سئلها در بیات داشتیم که هر چهاره هم رعایت ار حلییات آسای امین اسمعی نوده بودند .

عنوان نامه ها یکی - اسمعی و دیگری
در شریک دزد و رقیب قائم بود .
نکار نه گان یاغی و اوتارنده داشته بودند

که در دوره هرج مرجع امین اسمعی (کاکه مین) سر حراج شیخ الاسلام سرازوم نسبت استفاده نموده نام رئیس فرهنگ و اولفان ستر تمام مانی اچاره های خانه و دکاشین مساجد را بچیب قوت !! زد حالیهمها استفاده از فرایات بخشدار فعلی ستر بجهان مردم افزاده بدون اینکه ستر کسی داشته اند در حضور یا در غیبت بخشدار کفیل بخشدار ایضا میکند.

بدیشاری این شخص دو نفر از هوژاد گانش نجیب الدین اسمعی عابدین اسمعی که اولی از اداره آمار و تربیت احوال دوم از دکنایات اعراج شده بودند یکی در اداره غله دو محل بود و خود یکی دیگری در شهرداری (محل پول برده فلا مشغول خدمت بخود و حیانت بملت هستند .

امن اسمعی هم از سازه لوحی بخشدار استفاده کرده بر او سوار و مرکب حرس و طغ و دورا بیولان در آورده است مردم بیخه از ترس بخشدار جرئت تکلیت و

مردم نفاذ حقوق شما باطل شود بدون ترس و علاقه مطالب سه خودتان را ما بوسید مامم آقدرد که میتوانیم کوشش خواهیم کرد شمارا از زیر این باد سخیلین تا ملیات نجات دهیم.

آگهی عصر و روان

تاریخ ۱۳۲۴/۲/۲۴ بانظر طاعت (حریری) بنشانی نامه شماره ۱۹۷۵۹ باستاند بگریک اوهیامه و رو نوشت شناسنامه دادخواست شماره ۱۹۷۴/۲۸۸۹/۱۹۷۴ شماره بانوریا (حریری) دارنده شناسنامه شماره ۱۹۷۵۷ در تاریخ ۱۹۷۱/۱۶/۲۳۱ در تهران جایگاه هیئتکی خود وفات یافته و مناضیه و باقی قدر شناسنامه شماره ۱۹۷۵۸ و خدیجه شناسنامه شماره ۱۹۷۶ رویه (حریری) شناسنامه شماره ۱۹۷۶۱ در تاریخ ۱۹۷۱/۱۶/۲۳۱ در تهران جایگاه هیئتکی خودفوت و حین الوت ورثه متوفی منحصر به سه فرزند بنام طاعت منضیه و بانو فخر و بانو غیراز سه فرزند در تکی ندادند و پس از ششماه گزاهی گزاهن مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی مستنور شاهنشاهی پروردنامه کوهستان آگهی میشود باک نشن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و بیوفن مترشسی بر حسب تاضافه اقسام خواهد شد نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت هر روز ابراز و الا هر چه نامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از ذره اعتبار ساقط خواهد بود .

۳-۲
رئیس کلی دادگاه های بخش تهران - امامی امیری

مالیات وارده و شکایات ترتیب نوسبت یا دعایات تاسیب موفینت درج میشوند کوچکی منضات روزنامه و کثرت منضاب وارده اجازه نیده که مغلالت رسیده هر هانه را دعایات کیم امده است در آئی بنوایم باینتریکه که در قطع با ایداد منضات داده خواهد شد این ایراد را هم مرتفع ننایم .

روز ۳۳ - ۱۳۲۳/۳/۱۲ آقای حاج حسن آقا قادری مائث ده جلفیان که از امانک در جده ۱۹ مینش لاهیجان بودند بریزرود بهارستان چشم از جهان پوشیده و دوستان و علاقه منان را برای همیشه متالم و متأثر ساخت در مساجد مهاجد میجلس ترجمه منسج گردید مرحوم حاج جبهه آفتابوری در بهار و بیاد دوست و یاد گدامن و افرین و نیک نفس بود و از امانکین و منتفین بقیله عاشق و سست ریاست قوم خود را داشت در وقت از دست و زایش در امانک بودند و در این حضور کس درصورت باقی او نبریدند سالیها متعمره معزول و منضور در ده جلفیان که دهی مرزی است بدست خود آن مرحوم تأسیس و هیئت بالغ (۳۰) نفر نامه در مدرسه مزبور تبصیل انداخته داشته و در آن هرتبه مدرسه مدرسه فوق از طرف مرحوم حاج جبهه آقا تأسیس میگردد آن آن مرحوم چندین پرسود دختر بیادگار مائه از آن جمله آقای هدایت آقای قادری است که درصفت نیکو و علاقه مندی فرهنگ اسلامی بشر از تربیت و او فرزند ارشد آن مرحوم است و کمر درانگی اراری اندامه ااره مدرسه فوق سته است ضمن اظهار تشاف و همدردی از این ضایعه بیهوده بازماده کن دوستان آن مرحوم تسلیت کند و مویه بیت آقای هدایت آدوی رسا بر امانک آن مرحوم ابرای خدمت بارهنگ و عالم اسلامی از خود او ندهد نامه خواه نیم

ایچاندا از طرف اهالی شیرستان مها ادر مراتب تالم و شرکت در معیبه وارده و میر و شکیبایی را جز امانک آن مرحوم حاج حیدر قاری عرض و از خداوند خواستارم که جانشین معزله کمالا از سیره صالحه و حسن اخلاق سلف خود بود و بی نیابتی مهاباد - مدین حدیدی نیابتیه نامه کوهستان

نامه ها و تلگرافات وارده

از ستر

آقای مصد امینی از انتشار نامه کوهستان اظهار مسرت نموده اند.

از مهاجران

آقای احمد الهی ضمن اظهار خوشنویسی از انتشار نامه کوهستان از جدیت های آقای صدیق حیدری ساینده رسی ما تقدیر نموده اند.

از کرک

آقای سعید حسینی خطاب به اهالی مهاباد فرسخ نگاشته موضوع حبس بودن جبهه رحمن غنی پور را مورد بحث قرار داده می گویند عدای مامور خان وطاع که دو دبستانهای دوهه تلف تحصیل مقام کرده و در کپوروه عهد دینکشت توری بیروش پایتانه راهی نبی شونده نسبی و دنج وسختی که بیلت اصل کرد و آیدشود بسع اربابی دولت برسد قیلو را قتلو خادم را ختن و مبین پرستی را استلال جلوه گذارش میدهند و ...؛ مرقیبه که حکومتی عاقل زمام امور را دست گرفتند و این مامورین معلوم لجاجت لجاج گیسفته کوشایی داده نشود باید سرحدنوزیرا الصبر مسطالو الفرج

از سفلیان

آقای کرمانیان از انتشار نامه کوهستان اظهار مسرت نموده اند.

از ستر

آقای جلال الدین عینیخی سخاخی تلگرافی مغایره کرده می نویسد: اگر چه داعی هیچگاه ابراز وجود و امانت و مهر میلان را عادت نگرددند و همیشه

خادم گننام دولت خود را بنامه امپیکن این مرتبه بچندان خود را مجبور مینمیشد از این حسن انتخاب جناب سرهنگ حارمی پلرنامه می نویسد ۶۱ متر مراتب تندر بر آلاباش خود را تقدیم و از افتدات نداکراته و آرامش دهی ایشان نسبت به دولت و منصفه دبعث حانتگر برتشکر و استننان برامنان مبروش دارم و... کوهستان: از فرار اطلای که رسیده فرمانده لشکر کردستان دو بیشترا افتدات آبی سرهنگ حار می ترمینوا لکارشکی میکند و سعی دارد پیر نحو هست او را دلرد نماید آستانه آرتش این افتدات را هم نایدیده خواهد گرفت.

از رودسر
آقایان مقرر ندی و سعید قاضی ضمن تلگرافی می نویسد: از این آتش مقدسی که در قلب و خشمه شا برافروخته و از فرسنگ ها راه توده افروخته کرد و نور و گرمی دان و روان تازه با جانهای مرده بعهده است خدرا میسیر میگویم و وفایت روز افزون جنبیداری را از دانشور نام محبوب کوهستان خسوما در پایتکشور آرزو مینماید و از اینکه توجه همت دولت را به اقلیت نجیب و شجاع کرد معظوف فرموده بایست تشکرات قلبی وادیه سعیه نه خود را تقدیم میداریم.

از کرمانشاه
آقای دکتر سعیدی که چندی قبل مورد حمله و آزاران قرار گرفته مبروح شده بود و انا پناهنش بشارت برده شده بود شرح مفصل نگاشته و از جدیت ها و امانت مامورین آگاهی گرامشاه

اظهار ایتکان نموده اند.

از ایتکان

دیرست دیروز هم نامه ای از آقای حسن زار می دریافت داشتیم بنام توجیه نامه کوهستان خوانندگن آرای بجای زبان و ادبایت کرد جاب نموده و پشیمان بودند شماره های میانه معصومی از نامه خود شان قطع برای این منظور منتشر کردند.

کوهستان - اطمینان داریم اقدام به نشر و شناساندن آثار و ادبیات کردی یکی از مهمترین خدمات فرهنگی است همانطور که وعده دادیم بواسط خداوندی و به یکک و هتکار برادران فرهنگ پرور کرد و این راه هم قدم برخواهیم داشت. این قسم پیشنهاد های مفید بسیار ما را ا بدوار میازد.

از ستر

تلگرافی با مناسبت آقایان قادر انوشیروانی محمد بزادانی پناه - یحیی بخش - حسن نبی الله بیگی - اسدالله لطفی - مراد امینی - عزیز ابیدی رسیده مینویسد حال که امر اتالی آقای سهربر و اسکار و رئیس شهربانی ستر زرسیده و جای هیچگونه تصور تلقی نمیزود معضلت استعمار از وضعیت شناسی و معدالت ایشان قدر دانی منصفیام کوهستان - از اداره کل شهربانی استان داریکه تذکرات مارا مورد توجه قرار داده و با نتیجه دستور انتقال آقای سهربر و اسکار و از صادر نموده ابرامع به تلگراف آقایان هیچ اظهار نظری نمی نماند و این گن نامینماید اداره مسئول شهربانی هم بی جهت ایشان را از آنجا تغییر نداده است لابد تعذیری کرد مواعلی بدست آمده که موجب تغییر ماموریت ایشان شده.

از مشترکینی که تا

بجای وجوه آبرویان را برداشته اند تا خدا بیخود هر چه زود تر آنرا ارسال دارند مشترکین شهرستانها میزنند و جبهه اشکر را توسط نمایندگان ما ارسال داشته و با مناسبت پیاپی ترستند

از مشترکین محرم

تقاضا میشود از لحاظ کمک به نظم و ترتیب توزیع آرزو روزنامه شان فرسید لطفاً عارا مطلع سازند زیرا هر هفته مرتباً روزنامه به آدرس کلیه مشترکین به دست داده میشود.

امیدواریم آقای سر

سهربر و اسکار در ماموریت خود توجه داشته باشند که انکار صومی محضرات و اگر شخص اصحابا تعظی بنیاید قضا موفقی خواهد رسید که بازخواستی بشود دیگر ما مبروش هم باید باین نکته توجه داشته باشند نامه کوهستان هم بر حسب وظیفه کاملا مراقب است

حکومت بایزید هم دیوان این افتدات غر از چشم پوشی چاره ای نداشت دولت تریون از راه اعمال قوه قهریه بنیروست تازی ازبشی برده برای برعه زدن این قانون ملی ارد ذاری و اندیشید قانونی بنام قانون تاجیل از جلیس کبیر ملی ترکیه گذرانید و بموجب آن علو پلایید و خرمش را که فط شدم ولایات کردستان باشد اعلام نمود.

این قانون بوسیله هیئت عالی از اشخاص معالی بسنگوش ساکنین آرزوات رساییده میشد و آچار با طامات دولت واستانده از امیرای این قانون دعوت مینمودند.

در حال این تریخات دولت آرزواتها اظهار داشتند موقتی اظهارات نمایندگان ارام می مورد اعتقاد خواهد بود که روسا و منوران اسفندراد تمیید شده آزاد گردند. دولت نیز این پیشنهاد را مورد توجه قرارداده باستانی چند نه پیشوا آزاد کرد.

این هیئتها از طرف دولت علاوه بر تبلیغ در بان ملیون آرزوات ماموریت داشتند که با مسان توری و شیخ عبدالادد که خانواده ایشان بنسبغه غری اداکلون انتقال داده شده اند لران خود وعده دهند در صورت تدبیر دولت موافقت دارند اخبار نمایان آزاد گردند. این پیشنهادات دولت و مذاکران هیئت اعزامی در احسان نوری اثری نسو. ای شیخ عبدالادد با ایتامش شهر بایزید نه تدبیر شدند. شیخ عبدالادد پس از تدبیر با هیئت دیگری ماموریت یافت که به آرزوات آمده بر روی مسکی را با صاحب دوستانه وادار و طاعت کند ولی آرزواتی که از این نشر اطلاع یافته او را راه نداده اند ای دکسانی که از خارج با آرزوات آمده بودند رویه

شیخ عبدالادد را تدبیر یعنی تسلیم دولت ترکیه شده شدت تسلیم شده دان را تشویق می نمود بدین مضمون که تنها آنان را ظلم خلق نمی کرد بلکه خلقتی هم در مقابل این حق اطاعت و تسکین آنها میداد.

در زمره تسلیم شدهگان سعید عبدالوهاب و ترشکی بودند که با نظر دستور فرمانده گرد با طامات دولت در آمدند زیرا نشه فرماندهی این بود که تشکیلات خوبی بودند در سایر مناطق دیگر گردن ترکیه نیز توسعه باید برای انجام این نشه اطاعت و تسلیم ظاهری این دو غر شوری بود.

تصمیم در میان بعضی از روسای ملیون بقدری شدید بود که تسلیم بدولت را گردانند و بهیچوجه برای ششیدن و بحث در قانون تاجیل حاضر نبوده در این موقع بود که فرمانده ملیون کرد ساینده روسی کبیت ارمی های مهاجر را در آرزوات - بیروت زیرا گنگر کرد تمایل ارمی های مهاجر را به دوستی «کرد و ارمی» با خوشنویسی تلقی نموده بود.

بعضی با بدواری فرماندهی ملیون کرد را از بایگنر نایبند ارمی های مهاجر وسیله ای برای تبلیغ نامادنت بر خلاف واقع و حیثیت اینطور اشاعه داده بودند که برای منع ارمی ها به یکک ملیون کرد آمده است.

اجرای قانون تاجیل برای تمام قلیل قوای آرزوات را از حیت آذوقه در تنگنا گذاشت. رزمان بود که برف معضری منطقه بایزید را تا حدود تشکیلات آثری دستور ساخت بهار سر رسیده

کوهستان

در پرامون ادبیات کردی
ناید.

بچه‌زمنه ۱

مصرف که میگویند را معنی راهروفت از آب بگویی نازمان است، اگر پیشین نام بلز جوانی در شاساین ادبیات کردی مساوی سه کرده اندیا سو جانی آن را از اهدام بدان منع نموده همان مردمان تصور کنند شکان خود را جبران کنیم همانی دارد اگر مایه شاساین آثار و ادب را بدست نگاریم و آن کار را که دیگران میکنند ما نمود میماند با علاقه و کوشش ذوق کیمویت

بچه‌زمنه ۲

بیمینه ما اقدام برعه کردن آثار کردی صل بیاموید و جالی است درگان کرد را بیامه شناسیدین و نام آنهارا به غنا و عام آموشین وظیفه هر فرزند پاک و باوجدانی است

بنظر ما اقدام با این کار هم چندان دشوار نیست همه ای علاقه‌مندان است که این آثار را از گوشه و کنار جمع آوری کنند. مرکزی لازم است که این آثار جمع آوری شده در آن مرکز بایه اصلاحاتی بکجا جمع شود.

مطلب گشتی بسیار است و الفدا را هم میتوان خوب نوشت ولی کار خوب آن است که با صل توام باشد بری این که از مقاله آتای فرامند، و از نظریات نامه کوهستان غیر از نوشتن و عبارت برداری نتیجه ای بگیدیم برامه نید و از پیشنهاد میثالیه.

۱- کلیه علاقه‌مندان به زنده کردن ادبیات کردی کلیه کتابخانه که میباشند بیوان اداره روزنامه کوهسان یا قید برداری بیامی ادبیات کردی یا محظوظ درشت در اولین مطهر رساله باشد.

۲- ذکر این جمله برای نشریات نیست بلکه برای این است که نورا از آثارهای هادی روز نامه جدا شود.

۳- پیرایه از نامه هائیکه بدین ترتیب برسد جواب منتفی داده خواهد شد و کلیه پیشنهادها روز در روز ترا خواهد فرس.

۴- اخبار و آثار و شرح حال دنیا و مشایخ اعم از علمی یا سیاسی که باین منظور فرستاده میشود باید بوسیله دست سفارشی بوده مراسله ای همواره داشته باشد که به تفصیل آثار ارسالی اشتریح

یک پرده ننگین

بچه‌زمنه ۱

قصایدی پیش آمدی غیر مترقیه دولت را بتایق قضای کردستان واداشت تا این مشرف و خوب مردم فرسیرت ما نند که آنچه را شنیده بودند با آنچه حقیقت امر بوده مدعا لنگه هزارها فرسخت نامی قدری تاویل کردند بادیسه تردید نگریستن آن هم داشتن زیرا تعجب آور بود. تکلیف ماته ستاد ارتش مطالب عاری از حیثیتی را که لفظ جنبه داخلی دارد برای مشوب ساختن انعام عمومی تبلیغ کنند.

دوقبال روشن شدن قضایا مردم را که وی آرایش کردستان که در هر حال بولوت امیدوار بوده انتظار داشتند عمل که داشته شده. جوانان باز شده الا اگر معزازاتی در راست دست آمل را از گریبانشان بخواهند کنند.

وقتی در کسوری هرج و مرج دوام داشت کافر ما باشد. مادیون دولتی مافوق منوالی نداشته باشد قانونی اجرا نتواند کشور محظوم بنماید.

آری باین رویه ای که پیش گرفته ایم ایران محکوم بنقاست و تکیه که با علم چند ملیت اخلاقی و با علم بدین شایستگی و توانایی با علم بدین لیاقت بکشیش سیک سر را فرماهد و فرمانروای ناحیه میبایست از مملکت میباید و سر بوشش توده طبیعی از سکنه این کشور را بدست چابکوارو میبایریم میبایه این مردم از دست نروند میبایه هنوز باین حکومت امیدوار باشند.

چایکه مردم بیگانه و از حیجه بیخه نام بزبان میآید کنند و هر چه کسی می کند برودنه شایگی هم نتواند درست کند بی این که در این باب چنان بدین ناز و برای اعمال نظریه شخصی خودشان دانند صرف دولت توانایی آن دادگاه زمان فکر تشکیل میدهند تا مردم بیچاره را محکوم کنند چایکه که در اصل زده آن جنگ کس مرمت میسویادی میسود که لفظ خود را میدهند.

چایکه پس از اشد هه نس بدون مملکت با این دادگاه مسرفه و مظلوم به ۲۴ ساعت زندانی محکوم میشود آچایچین کشور محکوم بنقاست

چایکه ستاد ارتش ملکیتی میداد فرماتند را که بنامه حساس مرستاد لایق بنامه و بد مطبات است و بهیچوجه نیسواهد حرف مردم را بشنود و اورا گوش دل میدهد با بدیگت آن دشمنی که بر رأس ستاد ارتش است وطن خواه و بین دوست است!

چایکه ارتش باید نوله ضلعت کشور و محبوب هوسبگانه آن باشد باین قربت مردم است.

چایکه بجای مسیبت و ناکامی قومیت و عدالت ایجاد کنند آیا آن کشور محکوم بنقاست؟ آری ایام اینها نشانهای ای زلزل و فتای ایران است.

آری ایران دارد از دست میروند زمامداران ما سرگرم بازبهای ایران که وادست میدارد جاه طلبی هستند.

آری از این میان میروند معنائی ما و بین دوستان ما همچنان درگروه و شادریست بر روی دست گذارده اند. وقت از تو گوید که یکی نیست مملکت دارد از دست میروند نام ایران از ضلع تاریخ معاصر رسو خواهد شد.

باید طلعای قوم و کمانی که بشرافت ایران دوستی باندید پیش از این وقت را از دست ندهید جمع شوید فاری ما بر این از دست رفت و مردم بیچاره آن باندید نای می توانید ماطر این وقایع شکنج نماید.

باید صاهای قوم که نام کنید مردم آنقدر هم سخته شما گمان کرده ای حق ناشناس نشده بدیده احرام شما خوانده نگریست. و در فقههای اصلاح مملکت های که شمار پدر و دنیای شما خوانده بودند ایران در این موقع بازمانده فاکتوری شناسند قوم دستتان ترو است باندید پیشتر هم فریب ازین روز با با بکن نهر امید گویند ترو بدنام خواهد کرد در این وقت آنست که در راه خدمت بملکت کسب شود نیت بد است که در موعام یاریک بیک کشور بیاید.